



مسئله ۱۶: طهارت بول و خرد حیوانات حلال گوشت غیر ذی النفس سائله که بالعارض حرام شده‌اند.

۱. دانستیم که ماهی‌ها به سبب اکل عذره انسان قابلیت حرام گوشت شدن بالعارض را دارند.
۲. دقیقاً آنچه در مسئله قبل درباره تعارض روایت عبدالله بن سنان و ادله طهارت بول و خرد پرندگان و بهائم، مطرح شد. در این مسئله هم در مورد تعارض روایت عبدالله بن سنان (اغسل ثوبک من ابوال ما لا یؤکل لحمه) و روایت عمار ساباطی^۱ و روایت حفص بن غیاث^۲ قابل طرح است.
۳. و به عبارتی از طرفی سخن مرحوم خویی در حکومت روایت‌های طهارت (به سبب اینکه در مقام نفی حکم هستند و لذا ناظر به ادله نجاست‌اند) و از طرف دیگر سخن امام در حکومت روایت نجاست (به سبب اینکه

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنِ الصَّدُوقِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ عَمَّارِ السَّابِاطِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُنِلَ عَنِ الْخُنْفَسَاءِ وَالذُّبَابِ وَالْجِرَادِ وَ النَّمْلَةِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ يَمُوتُ فِي الْبُئْرِ وَالزَّيْتِ وَالسَّمْنِ وَ شَبِهُهُ قَالَ كُلُّ مَا لَيْسَ لَهُ دَمٌ فَلَا بَأْسَ . [وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۶۳، ح ۴۱۸۳]

۲. وَ عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِيهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُفْسِدُ الْمَاءَ إِلَّا مَا كَانَتْ لَهُ نَفْسٌ سَائِلَةً. [وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۶۳، ح ۴۱۸۳]

عنوان ما لا یؤکل لحمه، عنوان انتزاعی است و عنوان انتزاعی ناظر بر عنوان ذاتی است) در ما نحن فیه قابل طرح است.

۴. اما نکته مهم در مورد این دسته از روایات (ما لا نفس له) آن است که بول و خرد این گروه حتی اگر بالذات حرام گوشت باشند، طاهر دانسته شد و لذا تعارض ادله و رجوع به اصالة الطهاره در محرم الاكل‌های بالذات ثابت است.

۵. اما تنها مانع از حکم به طهارت (جریان اصالة الطهاره)، اجماعات و تسالم اصحاب است که چنانکه دیدیم، حتی اگر در اصل مسئله و نسبت به بهائم و پرندگان دارای نفس سائله چنین اجماعی پذیرفته شود، در مورد ما لا له النفس السائله، چنین اجماعاتی قابل رد و مناقشه است.

۶. و به این جهت حکم به طهارت بول و خرد در این مسئله بی‌مشکل است.

مسئله ۱۷: حکم بول و غائط حیوانات مرده

۱. بول و خرد حیوانات مرده، گاه در حال مرگ و به صورت عادی از بدن مرده خارج می‌شود و گاه، حتی پس از مرگ در داخل بدن مرده باقی می‌ماند و با شکافته شدن بدن مرده، از بدن جدا می‌شود.

۲. آنچه در بدن مرده باقی است، تابع بحث نجاست یا طهارت می‌تهد است و باید در آن بحث مورد بحث قرار گیرد.

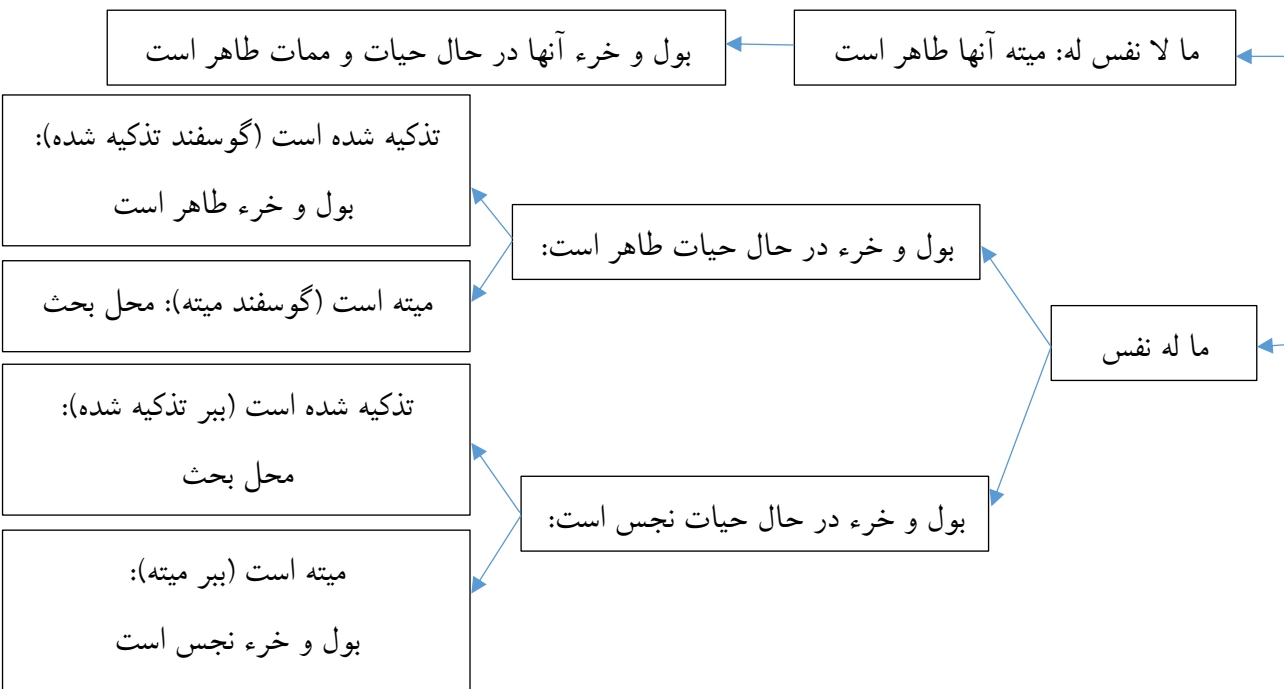
۳. اما آنچه در حال مرگ و یا پس از مرگ به صورت عادی از بدن مرده خارج می‌شود، صورت‌های مختلف دارد:

۴. در مورد بول و خرد حیواناتی که می‌تهد آنها نجس است، حکم به نجاست بول و خرد بلا اشکال است (حتی اگر در حال حیات، بول و خرد آنها طاهر بوده باشد -مثل می‌تهد گوسفند-) چرا که لااقل از ملاقات با بدن می‌تهد است که نجس العین است، متنجس می‌شود.

۵. اما در مورد آنها که تذکیه شده‌اند (مثلاً اگر ببر را تذکیه کردند)، بحث تابع دو دسته دلیل است:

الف) در جایی که در حال حیات، بول و خرد نجس است: طهارت مذکی و اجزای آن و اطلاق نجاست بول و خرد

ب) در جایی که بول و خرد در حال حیات طاهر است: نجاست می‌تهد و اجزای آن و اطلاق طهارت بول و خرد



مسئله ۱۸: اجزاء خارج شده از محل خرد (از حیواناتی که خرد آنها نجس است) در صورت عدم آلودگی بالفعل با مدفوع

مرحوم سید در عروه می نویسد:

«مسألة ۱): ملاقات الغائط فی الباطن لا توجب النجاسة، كالنوی الخارج من الإنسان أو الدود الخارج منه إذا لم یکن معه شیء من الغائط، و إن کان ملاقیاً له فی الباطن. نعم لو أدخل من الخارج شیئاً فلاقی الغائط فی الباطن کشیثة الاحتقان إن علم ملاقاتها له فالأحوط الاجتناب عنه و أمّا إذا شک فی ملاقاته فلا یحکم علیه بالنجاسة فلو خرج ماء الاحتقان و لم یعلم خلطه بالغائط و لا ملاقاته له لا یحکم بنجاسته.»^۱



درس خارج نقاشی سید محمد عینی

۱. العروة الوثقی (جامعه مدرسین)، ج ۱، ص ۱۱۸